

رستاخیز و معاد

دکتر رحمت الله قاضیان

سرشناسه	: قاضیان، رحمت‌الله، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: رستاخیز و معاد/نویسنده رحمت‌الله قاضیان.
مشخصات نشر	: قم: افروغ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۲ص.
شابک	: 978-622-967523-6: ۳۹۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: معاد
موضوع	: Resurrection (Islam)
موضوع	: رستاخیز
موضوع	: Resurrection
رده بندی کنگره	: BP۲۲۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۳۱۳۱۳۹



انتشارات افروغ

دفتر انتشارات: پردیسان - بلوار بهشت - خیابان ملت - ساختمان کرانه 4 - واحد 9
تلفن: 09127534683-09333038690

عنوان: رستاخیز و معاد

نویسنده: رحمت‌الله قاضیان

ناشر: افروغ

نوبت چاپ: اول 99

تیراژ: 50 جلد

شابک: 978-622-96752-3-6

قیمت: 39000 تومان

فهرست مطالب

- دیباچه، ص ۵
مرگ از نظر مادیون و الهیون، ص ۱۱
فواید ایمان به معاد، ص ۲۰
انگیزه‌های انکار معاد، ص ۱۶
اعتقاد همه‌ی ادیان و ملل به معاد، ص ۲۹
روح و حقیقت آن، ص ۳۳
حیات و منشأ آن، ص ۳۷
دلایل عقلی تجرّد روح، ص ۴۰
دلایل حسّی و تجربی روح، ص ۴۷
دلایل مستقیم اثبات معاد، ص ۶۸
دنیا مزرعه‌ی آخرت، ص ۹۶
توبه، ص ۱۴۴
مرگ دروازه‌ی عالم بقا، ص ۱۵۸
زندگی بعد از مرگ، ص ۱۸۰
برزخ، ص ۱۸۵

رجعت، ص ۲۰۷

تناسخ، ص ۲۰۹

آخرت یا قیامت کبرا، ص ۲۱۲

شفاعت، ص ۲۳۲

بهشت، ص ۲۴۱

دوزخ، ص ۲۵۳

ویژگی‌های بهشت و دوزخ، ص ۲۶۱

اعراف، ص ۲۷۱

معاد جسمانی، ص ۲۷۳

تجسیم اعمال، ص ۲۷۴

منابع کتاب، ص ۳۸۹

دیسباح

بسم الله الرحمن الرحيم، هو الفتاح العليم. سپاس و ستایش مخصوص خدایی است، که وجود جهانیان سراپا نیاز، نشانه‌ی وجود واجب و بی‌نیاز اوست و کمالات ناقص آن‌ها، نشانه‌ی کمالات نامتناهیش و منزّه بودنش از هر عیب و نقص می‌باشد.

و درود نامحدود بر تمامی رسولان خداوند، که واسطه‌ی هدایت وی بر خلقش هستند؛ خصوصاً اشرف و خاتم آن‌ها محمد مصطفی و دوازده جانشین او از عترت و اهل بیتش، که طبق آیه‌ی تطهیر، از هر آلودگی و لغزشی مصون و معصوم‌اند.

حیوانات می‌خورند و می‌خوابند و بی‌هیچ نگرانی راضی هستند؛ زیرا جز ارضای امیال و علایق خود نیازی ندارند و به مرگ هم نمی‌اندیشند. اما انسان موجودی است که نه تنها خواسته‌هایش با خوردن و خوابیدن برطرف نمی‌شود؛ بلکه هر خواسته‌اش هم که برآورده شود، خواسته‌های بیشتری پیدا می‌کند؛ به‌طوری که هرگز سیر نمی‌شود.

از طرفی، هر انسانی قدم به عرصه حیات می‌گذارد، مدّتی در این جهان همچون مهمانی می‌زید و سرانجام با مرگ طومار حیاتش پیچیده می‌شود و از زندگی دنیا رخت برمی‌بندد. چه، نه فقط انسان، بلکه جهان مادی یکسره در حرکت و تغییر و تبدیل است و هر موجود مادی که موجود شود - چه انسان باشد چه حیوان یا نبات یا جماد - بالاخره روزی زوال می‌پذیرد و به صورت دیگری تغییر و تبدیل می‌یابد.

هیچ آدم عاقلی هم نیست که در مرگ تردید کند؛ زیرا هر چند انسان از بدو پیدایش تا کنون در صدد فرار از مرگ بوده است و پیوسته بر آن بوده، که بر طول عمر خود بیفزاید؛ ولی هرگز هم تردید

نکرده است، که بالاخره روزی مرگ به سراغ هر کسی و از جمله خود او می آید؛ از این رو، در آیاتی از قرآن کریم هم از مرگ به یقین تعبیر شده است یعنی هر کس بدان یقین دارد.

چنان که در یک آیه می فرماید: **وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ**؛ و پروردگارت را عبادت کن، تا این که مرگ تو را فرارسد. (حجر ۹۹/۱۵)

و در جای دیگر می فرماید: **وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ**؛ و روز جزا را دروغ می شمردیم، تا مرگ به سراغمان آمد. (مدثر ۲۴/۴۶)

این دو خصوصیت، یعنی محدود نبودن خواسته های بشر و یقین وی به مرگ، در وجودش کشمکش ایجاد می کنند و موجب می شوند، که وی به صورت معنایی غم انگیز نمایان گردد؛ چه در این صورت به نظر می رسد، انسان برای چیزی وجود یافته است، که هرگز بدان نخواهد رسید. از این رو، در پاسخ این که انسان و زندگی او چیست؟ سه نظر عمده اظهار شده است:

عده ای همچون نیهیلیست ها (پوچگرایان) و بعضی اگزیستانسیالیست ها گفته اند: وجود انسان فاقد هرگونه معنایی است و هیچ گونه هدف و مقصودی در خلقت انسان نیست. چنان که «سارتر» بزرگ ترین اگزیستانسیالیست می گوید: «انسان یک خطای طبیعت است، موجودی است که اشتباه از آب درآمده است، جوش و خروشی بی حاصل است.»

بعضی دیگر گفته اند: اگر انسان خود را جزئی از کل بزرگ تر یعنی جامعه بشری بداند؛ آرزویش در طلب ابدیت برآورده می شود؛ زیرا هرچند فرد رنج می کشد و بالاخره با مردن به آرزوهایش نمی رسد؛ اما جامعه بشری و جهان ادامه خواهد یافت.

ولی باید گفت که این توجیه به هیچ وجه درست نیست؛ زیرا هر فرد انسان طالب ابدیت برای خودش است، نه برای چیز دیگر و کسان دیگر.

چنان که «فلاماریون» دانشمند بزرگ فلکی و روحی ایتالیا نیز در این زمینه گوید:

این که گفته اند جاودانی روح ما در اخلاف ما، در کارهای ما و در مساعی ای که برای پیشرفت انسانیت به عمل آورده ایم، باقی خواهد ماند؛ جز یاهوهرایی چیز دیگری نیست. اگر واقعاً به کلی می میریم، چیزی از خدمات خود را درک نخواهیم کرد؛ و چون انسان و حتی کرمی زمین دستخوش فنا خواهد بود؛ پس اثری از کسی بر جای نخواهد ماند.»

(اسرار مرگ و زندگی، ص ۳۸)

و بالاخره نظر الهیون که همواره اکثریت قریب به اتفاق انسانها را تشکیل می دهند این است که هرچند انسان در این جهان نمی تواند به ابدیت برسد؛ ولی روح او که حقیقتش است؛ چون مجرد است، فنا و زوال نخواهد پذیرفت؛ و از این رو، در جهان دیگر هم باقی است و به زندگی ادامه خواهد داد. زیرا نه فقط همه ی جهان و جهانیان از خدا هستند؛ بلکه همه ی امور هم به سوی خدا برگشت می کنند.

چنان که «قرآن مجید» در این زمینه می فرماید: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ هیتدار که همه ی امور به سوی خدا باز می گردند.» (شوری ۵۳/۲۲)

و سرنوشت محتوم همه ی انسانها هم بازگشت به سوی مبدأ خود یعنی خدای زنده ی جاوید است. چنان که «قرآن کریم» می فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ما از خداییم و به سوی او بازگشت می کنیم.» (بقره ۱۵۶/۲) و می فرماید: «وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ؛ و این که فرجام کارها به پروردگار تو ختم خواهد شد.» (نجم ۲۲/۵۳)

بدین معنی که هر چند ما نبودیم و خداوند ما را از عدم آفریده است. چنان که قرآن مجید می فرماید: «قَدْ خَلَقْتَنِي مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُن شَيْئًا؛ تو را آفریدم؛ در حالی که چیزی نبودی.» (مریم ۹/۱۹) و هنگامی هم به این دنیا می آییم، با دست خالی و بدون دانشی هستیم. چنان که «قرآن کریم» می فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا؛ و خدا شما را از شکم های مادرهایتان بیرون آورد؛ در حالی که چیزی نمی دانستید.» (نحل ۷۸)

ولی «قرآن مجید» در دنباله همین آیه می فرماید: «وَجَعَلْ لَّكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ؛ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید.» (نحل ۷۹/۱۶) آری، ما به وسیله چشم و گوش و عقل و فکری که خداوند به ما عنایت فرموده است، به تدریج با مسائل جهان علم و اطلاع پیدا می کنیم و با کسب فضایل و اعتقادات درست و اعمال نیکو، خود را برای زندگی جاوید در دنیای دیگر، آماده می نماییم.

انسانی که در تصادفی می افتد و بیهوش می شود، بعد از مدتی که به هوش می آید و زبانش باز می شود، اولین سؤالی که خواهد نمود این است که اینجا کجاست؟ کجا بودم؟ مرا کجا می برند؟ برای چه می برند؟ و... به عینه تمام این سؤالات هم ما در عالم هستی داریم و پاسخ آنها بر ایمان ضروری و لازم است، به قول مولوی:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم

ز کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم؟ آخر نمایی وطنم؟

آری، یکی از نیازهای فطری و روحی بشر این است که می‌خواهد بداند، از کجا آمده، در کجاست، به کجا می‌رود، برای چه آمده و چه باید بکند؟ و اگر این مسائل را حل کند، خط مشی زندگی خود را کاملاً مشخص کرده و با برنامه‌ی روشن و قدم‌های استوار به سوی سعادت خویش قدم برمی‌دارد.

امام علی علیه السلام هم فرموده: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً، أَعَدَّتْ لِنَفْسِهَا وَاسْتَعَدَّتْ لِرَمْسِهِ وَ عَلِمَ مِنْ آيِنٍ وَ فِي آيِنٍ وَ إِلَى آيِنٍ: رحمت خدا بر کسی که خود را آماده کرد و برای عالم بعد از مرگ آمادگی پیدا نمود و دانست از کجا آمده و در کجاست و به کجا می‌رود.» (مألاً صداراً، اسفار ۲۱/۱)

ولی انسان به وسیله‌ی علم هرگز نمی‌تواند کوچک‌ترین پاسخی به این مسائل بدهد؛ چون علم کهنه کتابی است، که اول و آخرش افتاده است؛ از این رو، به وسیله‌ی آن، نه می‌توان فهمید، که ابتدای جهان چگونه بوده است و نه سرانجام جهان چگونه می‌شود؛ بلکه تنها چیزی که می‌تواند با قاطعیت به این مسئله پاسخ دهد «دین» است.

بنابراین، بزرگ‌ترین خدمت دین به بشریت این است که:

اولاً، او را از پوچی و سرگردانی نجات می‌دهد؛ زیرا چنان که گفتیم - دین با قاطعیت به بشر پاسخ می‌دهد، که ما از خداییم و به سوی او هم بازگشت می‌کنیم.

ثانیاً، دین بیان می‌دارد، که خداوند کسی است، که هر چیزی را نیکو آفریده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده ۷/۳۲)

تنها چیزی که می‌ماند این است که انسان با اراده‌ی آزاد، به وظیفه‌اش که باز دین آن را به نحو احسن برایش ترسیم نموده است، عمل کند، تا در دنیا و آخرت به سعادت برسد.

از طرف دیگر، هدفی که انسان‌ها برای خود تعیین کرده و می‌کنند، نقش بسیار اساسی در انجام فعالیت‌های زندگی آن‌ها دارد. کسانی که زندگی را منحصر به همین چند روزه‌ی دنیایی می‌دانند، طبعاً رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که آن‌ها را تنها به منافع و لذات دنیایی برساند. اما کسانی که معتقدند در پس این جهان، جهانی است وسیع‌تر و بهتر؛ و این کارهای انسان است که رفاه و عیش و نعمت یا عذاب و نعمت ابدی را در آن دنیا برای وی فراهم می‌کنند؛ رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که هرچه بهتر و بیشتر برای زندگی ابدیشان سودمند افتد. و نیز می‌دانند که اگر از لذات غیرمشروعی همچون خوردن مال دیگران صرف‌نظر کنند یا سختی‌هایی همچون کمک به

دیگران، کوشش برای تحصیل علم، تحمّل نمایند، بی‌پاداش نخواهند ماند؛ بلکه در دنیای دیگر، صدها و هزارها برابر بیشتر، موجب رفاه و عیش آن‌ها خواهند شد.

از این رو، پیامبران علیهم‌السلام برای معتقد ساختن مردم به مبدأ و معاد، بیش از هر چیز دیگر تأکید ورزیده‌اند؛ به طوری که حدود یک پنجم آیات قرآن مجید مربوط به معاد است.

بلی، اعتقاد به دین و مبدأ و معاد و عمل به دستورات دینی - آن هم دین آسمانی و تحریف نشده - ای همچون اسلام - تنها ضامن سعادت انسان است؛ زیرا اگر انسان معتقد باشد که تمام جهان از جمله خود او از خدا هستند و بعد از مردن هم، برای حساب و کتاب و آن‌گاه پاداش و عقاب اعمالش، در پیشگاه او حاضر می‌شود، احساس مسئولیت می‌کند و از هر نوع کار زشت و تعدی و تجاوزی به حقوق دیگران خودداری می‌نماید.

و از طرفی، امید به آینده‌ای سعادت‌مندانه، به انسان تسکین خاطر و آرامش داده و او را از هر نوع خودخوری، دغدغه، نگرانی، پوچی افکار و خودکشی باز می‌دارد.

اگر دولت‌ها نیمی از بودجه‌ای که صرف دادگاه‌ها و نیروهای انتظامی می‌کنند، صرف دینداری مردم بنمایند؛ بسیار بیشتر نتیجه می‌گیرند و مردم سعادت‌مندتر می‌گردند.

چنان‌که «قرآن کریم» در این زمینه می‌فرماید: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ: این کتاب (قرآن مجید) بی‌تردید هدایت برای متقین است. (بقره ۲/۲)

و «دکتر الکسیس کارل» می‌گوید:

«نزدیک دو هزار سال است، صدها میلیون نفر در آرامش جان داده‌اند، با این عقیده که پس از مرگ مصاحب عزیزان خود و پاکان و فرشتگان خداوند خواهند بود. بنابراین، پاسخ مذهب به اضطراب بشریت در برابر مرگ خیلی بیشتر از جواب علم، ارضاء کننده است. مذهب به انسان پاسخی می‌دهد، که قلبش می‌خواهد.» (راه و رسم زندگی، ص ۱۲۲)

پس هر فردی باید بکوشد که اسباب سعادت خود را در عالم دیگر که جاودان است، فراهم نماید و با ایمان و عمل صالح خود را برای حیات پاکیزه‌ای در آن عالم آماده کند. سرای آخرت آباد کن به حسن عمل که اعتماد بقا را شاید این بستان

برخلاف غیرمؤمن که هدفی برای زندگی خود نمی‌یابد، زندگی مؤمن هدفدار است و در نتیجه رفتار و کردارش همه جهت دارند. زندگی برای غیرمؤمن منحصر به همین چند روزه‌ی زندگی دنیا با همه‌ی رنج‌ها، سختی‌ها و مشکلاتش است؛ از این رو، افسردگی، ناامیدی، اضطراب، بلا تکلیفی،

احساس پوچی و بی‌هدفی بر زندگیش سایه افکنده است و اگر هم به لذتی رومی آورد، برای آن است که در میان این همه ناکامی‌های زندگی دنیا، دمی لذت را هم غنیمت شمارد و در واقع دمی از غم‌ها و رنج‌های دنیا رهایی یابد. در صورتی که مؤمن به مبدأ و معاد دنیا را مزرعه و مقدمه‌ی آخرت می‌داند، که در این مزرعه بذری می‌افشاند و تاکی می‌نشاند، تا در دنیای ابدی دیگر از ثمره‌ی آن‌ها بهره‌مند شود و در این صورت هم، همه چیز در دنیا برای مؤمن وسیله کمال و ترقی است و زندگی پر نشاط و امید آفرین.

پس اعتماد مکن بر دوام دولت عمر که دولتی دیگر در پی است جاویدان
امید است این کتاب که در اثبات معاد یعنی حیات پس از مرگ - که دوّمین رکن اصول اعتقادات همدی ادیان آسمانی است - نگاشته شده؛ و در آن سعی گردیده، که ضمن جامع بودن، پر حجم هم نشود، قدم مؤثری برای تقویت مبانی اعتقاد مذهبی خوانندگان باشد؛ همان طوری که در تقویت ایمان خود این جانب، بسیار مؤثر بوده است.

رحمت الله قاضیان